

بیان واقع وقایع مراغه

شرح وقایع حملهٔ شیخ عبیدالله گُرد به مراغه در سال ۱۲۹۸ هـ.ق.

نگاشته

علی اکبر منشی

مقدمه و تصحیح:

دکتر مسعود غلامیّه

دکتر یوسف بیگ باباپور

انتشارات منشور سمیر

با همکاری انجمن تاریخ‌پژوهان مراغه

تهران - ۱۳۹۳

سرشناسه: منشی، علی اکبر
عنوان و نام پدیدآور: بیان وقایع مراغه : (شرح وقایع حمله شیخ عبیدالله کرد به مراغه در سال ۱۲۹۸ ه.ق.) نگاشته علی اکبر منشی : مقدمه و تصحیح مسعود غلامیه، یوسف بیگ باباپور.
مشخصات نشر: منشور سمیر، مراغه، انجمن تاریخ پژوهان مراغه، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۶۴ ص: نمونه.

فروست: احیای میراث مخطوط: ۲.

شابک: ۵-۰۰-۷۵۰۹-۶۰۰-۹۷۸.

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: ایران - تاریخ-قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ق-شورش شیخ عبیدالله کرد، ۱۲۹۶-۱۲۹۸ق.
شوع: شمزینی، عبیدالله بن علّه، - ۱۳۰۰ق.

موضوع: مراغه - تاریخ - قرن ۱۳ق.

موضوع: ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ق - جنبش ها و قیام ها

شناسه افزوده: غلامیه، مسعود، ۱۳۴۶

شناسه افزوده: بیگ باباپور، یوسف، ۱۳۵۷

شناسه افزوده: انجمن تاریخ پژوهان مراغه

ردیفی کتب: م ۸ پ ۱۳۹۰ ۱۳۹۳ ۹۱۳۹۳ SRD

ردیفی کتب: ۷۴/۹۵۵

شماره ثبت کتابخانه ملی: ۲۵۰۹۴۸۹



انجمن تاریخ پژوهان مراغه



انتشارات منشور سمیر

بیان وقایع مراغه

(شرح وقایع حمله شیخ عبیدالله کرد به مراغه در سال ۱۲۹۸ ه.ق.)

نگاشته: علی اکبر منشی

مقدمه و تصحیح: دکتر مسعود غلامیه - دکتر یوسف بیگ باباپور

از مجموعه: احیای میراث مخطوط ۲ /

دبیر مجموعه: دکتر یوسف بیگ باباپور

نوبت چاپ: اول

طراح و صفحه آرا: محمد مهدی شعبانی

شمارگان: ۲۰۰

شماره نشر: ۱-۱۱

بها: ۶۰۰۰۰ ریال

© حق چاپ: ۱۳۹۳، انتشارات منشور سمیر یا همکاری انجمن تاریخ پژوهان مراغه

شابک: ۵-۰۰-۷۵۰۹-۶۰۰-۹۷۸

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکسی و بازتویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گویمه در مستند نویسی، و مانند آن ها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

مقدمه

بیان واقع وقایع مراغه، نسخه‌ای است بخط شکسته نستعلیق که به‌حمدالله از تپاول قرون و ایام محفوظ مانده و به کتابخانه مجلس شورای اسلامی راه یافته و اکنون به شماره ۱۴۷۲۷ در این کتابخانه نگهداری می‌شود.

این نسخه که به شرح وقایع شورش شیخ عبیدالله گیلانی در سال ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ هجری قمری می‌پردازد، توسط علی اکبر نمئی به تحریر درآمده است. تلاش برای شناسایی نویسنده به جایی نرسید. نویسنده در تألیف این نسخه به آنجا که امکان داشته، خصلت امانتداری را رعایت نموده و وقایعی را که خود شخصاً ناظر بر اتفاق آن بوده و یا از اشخاص ثقة و قابل اطمینان شنیده، گزارش کرده است. وی به دلیل اقامت در مراغه و قرار گرفتن در بطن وقایع مهم اتفاقی دوره ناصری قرار گرفته و در نتیجه به عنوان ناظری دقیق و موشکاف بیانگر حوادثی است که قبل و بعد از وی کسی بدان دقیقی و امانتداری از عهده بیان

آن‌ها برنیامده است. درباره شرح حوادثی که در زمان مؤلف اتفاق افتاده، وی به عنوان گزارشگری امین توصیف و شرح حوادث و اتفاقات زمان خود را به صورت دقیق در اختیار نسل‌های بعد، از جمله محققین قرار داده است.

نویسنده فردی است بسیار خوش ذوق، کنجکاو و حقیقت‌جو که به هر جا رسیده است، ولو در حین سفر و جنگ، تا آنجا که مقدور بوده، به جمع‌آوری اطلاعات و ضبط آن توجه خاصی داشته است. او به خوبی توانسته است اتفاقات به وقوع پیوسته در سال ۱۲۹۸ هجری قمری را به خوبی شرح دهد، خرابی‌های وضع حکومتی، مفاصد طرز اداره دربار و حکومت‌های ولایات و رشوه‌خواری که در مجالس عمال دولت و ناسخ و منسوخ صادر کردن وزرا و فساد اخلاق شاه و پسران و نزاع‌کنان او را به خوبی تشریح نموده است.

بیان واقع وقایع مراغه، شرح است بسیار جامع از طغیان و شورش اکراد به ریاست شیخ عبیدالله کُرد، پسر شاه‌طه، و حمله اکراد به مراغه و میاندوآب و سایر اتفاقات مهمی که در این ناحیه به وقوع پیوسته و مدت‌ها نگرانی خاطر ناصرالدین شاه و فرمانداران آذربایجان را فراهم آورد و باعث وقوع یک سری حوادث تاریخی در سال‌های بعد گردید.

این حادثه یکی از وقایع مهم دوره قاجار است و به تاریخ عمومی ایران بستگی دارد. می‌توان گفت که اغلب حوادث ناگواری که در یکصد سال اخیر در آذربایجان رخ داده، از این واقع سرچشمه گرفته است. حتی وقایع خونین نافرمانی اسمعیل آقا سمیتقو در آخرین سال‌های قاجاریه نیز دنباله همین واقعه بوده است.

از وقایع مهم و دردناکی که در دوره سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه اتفاق افتاده، یکی هم شورش شیخ عبیدالله کُرد است در ساوجبلاغ مراغه. اگرچه

در آن ایام از این وقایع در اطراف و اکناف مملکت به وسیله یاغیان و سرکشان و رؤسای ایلات گاه و بی گاه اتفاق می افتاد، ولی شورش شیخ عبیدالله مذکور با توجه به دو بعد سیاسی و مذهبی با دیگر شورش ها تفاوت کلی داشت. تا آنجا که برای حکومت عثمانی هم که رقیب سرسختی در برابر حکومت ایران بود و خود بسیاری از توطئه های غرب ایران دست داشت، جای تردید نماند؛ و پس از شکست شیخ از قوای دولتی و فرار به خاک عثمانی، او را گرفتار کردند و به مدینه تبرید آوردند و در همان جا از دنیا رفت.

شیخ طه از اعمد و فعالان نقشبندیّه کردستان، در عهد محمدشاه قاجار و بسیار مورد توجه و احترام وی بود. پس از وفات وی فرزندش، شیخ عبیدالله بن طه، جانشین پدر در امر طریقت و شریعت گردید. در جریان جنگ بین روسیه و عثمانی کردها جانب دولت عثمانی را گرفته و مقداری اسلحه برای جهاد با روسیه به دست آوردند و جنگ های بسیاری با روس ها نمودند. ولی پس از شکست عثمانی و اخذ مقداری دیگر سلاح و مساعدت به سرزمین های خود بازگشتند. شیخ عبیدالله که از این همه عده و غده آرام نگذاشته، به اندیشه اتحاد کردن ایران و عثمانی و ریاست بر آنها افتاد. از طرف دیگر عدم کاردانی دولتمردان قاجار، به ویژه بی کفایتی اطرافیان مظفرالدین میرزا و ناصرالدین میرزا، باعث وخامت اوضاع گشت. «مظفرالدین میرزا، میرزا احمد میرزا و ناصرالدین میرزا که متشی خود بود و هرچه او می گفت، بلی بلی عرض می کرد، را پیشکار خود قرار داد و ملقب به مشیرالدوله نمود. مشارالیه به جهت طمع به تمام آذربایجان

سخت گرفت؛ از آن جمله به دهات تیولی شیخ عبیدالله و دهات آقایان مکرری بنای پیچیدگی را گذاشت، چند بار پایی شیخ شدند، شیخ تحمل کرد.^۱

در این میان یکی از نزدیکان مظفرالدین میرزا را که هیچ گونه لیاقتی و کفایتی در امر حکومت نداشت، به فرمانروایی ساوجبلاغ (شهر مهاباد کنونی) گمارد. و او هم در اثر عدم تدبیر، به اموری دست یازید که آتش فتنه را بیش از پیش شعله‌ورتر ساخت و منطقه حساس آذربایجان و کردستان را تا سرحد انفجار نزدیک ساخت. «در این بین کشیکچی باشی ولیعهد، مسمی به لطفعلی میرزا، مشهور به شاه‌خزانه پسر طهماسب میرزا را که قابلیت نداشت ... حاکم ساوجبلاغ مکرری کردند. مارالیه چند روز بعد از ورود، فیض الله بیگ نامی را که از متمولین آنجا بود، حبس نمود و پانصد تومان از او به طریقه جرمه گرفت. بعد از آن میناآقا پسر قادر علی مکرری را گرفته، پانصد تومان جرمه کرده و رها کردند. اهالی مکرری تماماً مشوش شدند».^۲

بدین ترتیب شاهزاده جوان و خام فکر که در امور سیاست و مردم‌داری بهره‌ای نداشت، راه پول درآوردن بی‌زحمت و زحمت را به دست آورده بود و با اخاذی و گرفتن جرمه‌های سنگین می‌خواست زحماتش را برگرداند. از جمله این افراد، «حمزه آقا منکوری»، از رؤسای قبایل کُرد بود که پسر از مخالفت‌ها و سرکشی‌های زیاد به راه آمده و در جرگه خدمتگزاران دولت درآمد. به «حمزه آقا از این جرمه‌ها خائف شده، به دهات خودش رفت و آقا شاهزاده به تبریز نوشته و حمزه آقا را مقصر قلمداد کرد و اذن خواست که او را گرفته و جرمه نماید. از

۱- شرح حال عباس میرزا ملک آرا، مقدمه آقبال آشتیانی، ص ۱۵۳.

تبریز هم اذن رسید که حمزه آقا را دستگیر نموده، زنجیر کن و مبالغی پول بگیر، اما گرفتن او کار پسر طهماسب میرزا نبود. این مجهول بدون هیچ نوع تهیه، روزی حمزه آقا را طلبید. حمزه آقا هم چون مطیع و خدمتگذار بود، از منزل خودش به دارالحکومه ساوجبلاغ آمد. آقا شاهزاده گفت: تو را حبس کنم و مبلغی به جهت حضور ولیعهد از تو پول بگیرم. هرچه حمزه آقا گفت: تقصیر چیست؟ جواب شنید که رمایش ولیعهد است.

زنجیر او بند شد. شاهزاده فرمود: اوّل زنجیر را بیوس بعد به گردن خود بگذار. حمزه آقا خنجر را از کمر کشید و نعره‌ای زد که تمام حاضرین فرار کردند. شاهزاده هم به اندرونی گریخته، پسران اهل خانه برد. حمزه آقا چند نفر را زخمی کرده، بدون هیچ مانعی سوار اسب خود شده، به هم‌هآن راه منزل خود بگیرفت و از آنجا خدمت شیخ عبیدالله رفته، شیخ را به سبب آوردن شرح تعدّیات عجم‌ها را که به اکراد سنّیان کرده بودند، داد و مدت‌ها بود که دل شیخ از تعدّیات حکام رنجیدگی داشت؛ لهذا حکم شد که پسر شیخ، مسمی به شیخ عبداللّه، با مریدان قدم در میدان محاربه گذارد.^۳

شیخ عبدالقادر به همراه حمزه آقا به جانب ساوجبلاغ آمدند. بسیاری از اهالی و خوانین کُرد که دل خوشی از حکام دولتی نداشتند، با هم جمع شدند و رأی شده، شهر را در اختیار آن‌ها قرار دادند. پسر طهماسب میرزا، حاکم سالار هم فرار کرد. قبایل مکرّی به همراه دیگر قبایل کرد به مرحمت آباد (شهر میاندوآب کنونی) که از قصبات مهم مراغه بود، یورش آوردند. مؤلف رساله حاضر که در

آن ایام در مرحمت آباد حضور داشت، صحنه نبرد آن منطقه را به زیبایی توصیف کرده است.

سیاهیان کرد در جریان تصرف میاندوآب مرتکب قتل و غارت وحشتناکی شده و دهات و روستاهای بسیاری را مورد تاراج و چپاول قرار دادند. عباس میرزا ملک آرا تعداد تلفات میاندوآب را هشتصد نفر مسلمان، بیست نفر ارمنی و پنجاه نفر یهودی نوشته است. جنایات اکراد در میاندوآب و روستاهای مراغه به حدی بود که آدمی را به یاد قتل عام‌های هولناک مغولان می‌اندازد: «به هر جا که رسیدند، و قتل‌های مسلمانان صغیر و کبیر، پیر و جوان و حتی اطفال شیرخوار و نهنگان و غایب و اسیر کردن دختران جوان و آتش زدن خانه‌ها و آذوقه‌های آن‌ها به میج و به سوختن و نگراندن و از قراء و قصبات از حدود مراغه تا حدود ارومیه که به قتل و ازین خالی از سکنه افتاده است و این اشرار خونخوار خیال ابقاء به احدی نداشتند.»^۴

اکراد پس از تصرف میاندوآب، رو به جانب مراغه و قصبه بناب که از مناطق مهم مراغه به شمار می‌آمد، گذاشتند و از هرگونه قتل و غارت در روستاها و قراء اطراف فروگذاری نکردند.

نکته بسیار مهم و قابل تأملی که در این رساله به صراحت از آن سخن گفته شده، حضور علما و روحانیت آگاه و مسئول بود که دوشادوش مردم و نیروهای دولتی به مقابله با فتنه جویان شتافته و نقش بسیار فعالی در مقابله و دفاع از جان و مال و ناموس مردم ایفا نمودند. بزرگانی چون عارف شهیر میرزا کبیر آقا مراغی، امین الاسلام، حجت الاسلام، آقا میرزا فضل الله مجتهد مراغی در مراغه،

و مجتهد دلیر و شجاع حاج شیخ علی قاضی بنایی در بناب با حضور خود در میادین نبرد، نقش تعیین کننده ای در پیروزی نیروهای مردمی و دولتی داشتند.

به هر حال، پس از تلگراف‌ها و درخواست‌های بسیار زیاد که به دربار شاه و ولیعهد ارسال شد، مقامات دولتی احساس خطر کرده و نیرویی بالغ بر بیست هزار نفر و سواران و سنان عراده توپ روانه میدان جنگ نمودند. اکراد که به قصبه بناب یورش برده بودند و شجاعانه مردم آنجا به رهبری شیخ علی قاضی بنایی مواجه شدند و چون باغ پرور مردم را دیدند، چاره ای جز عقب نشینی و بازگشت ندیدند و در همین زمان بود که نیروهای دولتی سررسیده و پس از جنگ‌های سنگین و پرتلفات، سپاه را گردن عقب راندند و مناطق اشغال شده را آزاد ساختند.

با توجه به این که هجوم اکراد به منطقه مراغه در اواخر سده سیزدهم هجری، از حوادث بسیار مهم و دردناک آن سامان بود و از سوی دیگر اطلاعات دقیق، کامل و ارزشمندی از آن حوادث در کتاب‌های تاریخی آن عصر گزارش نشده است، اهمیت رساله حاضر - که در آن به گزارش لحظه‌به‌لحظه وقایع آن عهد پرداخته - در شناخت آن عصر به خوبی آشکار می‌گردد. افزون بر آن، ذکر اطلاعات مهم ذیل، بر اهمیت و ارزش آن افزوده است:

- توصیف نسبتاً دقیق شهرها و قصبات و برخی روستاهای میان راه و در مطالعه اوضاع و احوال آن مناطق در عهد ناصری حایز اهمیت است.

- ذکر متن برخی اسناد و نامه‌ها و مکتوباتی که میان حکمرانان مبادله شده که قبلاً در هیچ جا اشاره ای به آنها نشده است.

- اشاره به دخالت بیگانگان و نقش آنان در تحریک اکراد در اقدام به شورش و ایجاد ناامنی.

- ذکر لیست دقیق فرماندهان سپاه و نیروهای دولتی حاضر در منطقه.
- آرایه آمار دقیق از خسارت و تلفاتی که بر مردم منطقه وارد آمده است.

والسلام علیکم

غلامیه - بیگ باباپور

www.ketab.ir